

# حقوق زمان ارزیابی اموال شرکت‌های تجاری طرف قرارداد ادغام (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و مصر)

محمد عیسائی تفرشی<sup>۱\*</sup>، احمد بیگی حبیب‌آبادی<sup>۲</sup>، غلامحسین افراست<sup>۳</sup>

۱. استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۵/۰۵/۱۶

دریافت: ۹۵/۰۳/۲۴

## چکیده

یکی از موضوعات مهم در شرکت‌های تجاری، ادغام، قراردادی است که به موجب آن، یک، دو یا چند شرکت با توافق با شرکت موجود، در آن ادغام گردیده، شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهند (ادغام یکجانبه یا ساده) یا چند شرکت تجاری ضمن محو شخصیت حقوقی خود و بدون ورود به مرحله تصفیه، شرکت جدید را ایجاد می‌کنند (ادغام دو یا چندجانبه یا مرکب). از آنجا که در ادغام، اموال شرکت‌های طرف ادغام به عنوان یکی از عوامل اصلی و تعیین کننده است، نحوی محاسبه اموال شرکت‌های طرف ادغام از اهمیت بالایی برخوردار است؛ امری که بر مبنای آن ارزش سهام یا سهم‌الشرکه شرکا و میزان منافع و مسؤولیت‌های آنها در شرکت باقی‌مانده یا شرکت جدید مشخص می‌گردد. در اینباره که معیار محاسبه‌ی ارزش اموال چه زمانی است. در حقوق مصر و ایران نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. زمان انعقاد قرارداد ادغام، تعیین تاریخ توافقی جهت ارزیابی، ارزش اسمی یا دفتری معیارهایی هستند که ارائه شده‌اند.



واژگان کلیدی: ادغام، ادغام ساده، ادغام مرکب، ارزش اسمی، ارزش واقعی، امتزاج.

## ۱. مقدمه

برای این‌که قرارداد ادغام شرکت‌های تجاری منعقد گردد، نیاز به فراهم بودن شرایط عدیدهای است، از آن جمله موضوع ارزیابی و نحوه محاسبه آورده یا حصه شرکت‌های طرف ادغام است. سرمایه شرکت‌های تجاری با دو نرخ متفاوت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. یک نرخ، ارزش دفتری یا اسمی است که در زمان تشکیل شرکت در اساسنامه یا شرکت‌نامه در نظر گرفته‌اند. نرخ دیگر ارزش واقعی یا روز است که منظور از آن ارزشی است که در اثر وضعیت مالی یک شرکت برای سهام یا سهم‌الشرکه شرکت در نظر می‌گیرند [۱، ص ۵۵]. ادغام قراردادی است که به وسیله آن، کنترل یک، دو یا چند شرکت تجاری توسط یک شرکت تجاری دیگر انجام می‌شود، به نحوی که با تحقق آن شرکت یا شرکت‌های ادغام شونده، بدون این‌که تصفیه شوند منحل و محو می‌گردند و حقوق و تعهدات آن‌ها به شرکت بازمانده یا جدید منتقل می‌شود و شرکت بازمانده یا جدید، قائم مقام شرکت‌های محو شده می‌شود [۲، ص ۱۲۳]. سؤالات اساسی که در این خصوص مطرح می‌گردد این است که او لاً ادغام چه زمانی محقق می‌گردد؟ ثانیاً ملاک ارزیابی حصه شرکت‌ها ارزش چه زمانی است. در نوشته پیش رو صرفاً به ادغام قراردادی پرداخته شده و منصرف از ادغام ناشی از قانون است که به دستور قانونگذار و به صورت قهری انجام می‌گردد و معمولاً در شرکت‌های دولتی واقع می‌شود.

## ۲. تاریخ انعقاد ادغام

ادغام همانند هر عمل حقوقی برای انعقاد به اراده طرفین نیازمند است، اما این‌که صرف اراده طرفین جهت انعقاد عقد مذکور کافی است یا خیر، موضوعی است که در حقوق ایران و مصر پاسخ یکسانی به آن داده نشده که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم:

## ۱-۲. حقوق مصر

برای این‌که ادغام به عنوان یک قرارداد لازم‌الاجرا منعقد گردد نیاز به حصول و فراهم آمدن شرایط خاصی است که به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم:

### ۱-۱-۲. پیش‌نویس ادغام

برای ایجاد ادغام، هیأت‌مدیره شرکت‌های طرف قرارداد، اقدام به تهیه پیش‌نویس ادغام می‌کنند که در پیش‌نویس مذکور باید اهداف و برنامه‌های شرکت جهت ورود به ادغام تشریح گردد. پیش‌نویس در اختیار بازارساز شرکت قرار می‌گیرد، آن‌ها موظفند حداقل ظرف ۱۵ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده، گزارش خود را اعلام و در مرکز اصلی شرکت جهت بازدید شرکا یا سهامداران قرار دهند. سهامداران یا شرکا می‌توانند با مراجعه به شرکت از گزارش مذکور رونوشت تهیه کنند [۳، ص ۱۷۰]. در پیش‌نویس، هیأت‌مدیره به صورت دقیق میزان حقوق و تعهدات هر شرکت را مشخص می‌کند [۴، ص ۶۵۸]. هدف از این اقدامات ارزیابی صحیح آورده هر شرکت است، چرا که با ارزیابی دقیق این حصص، حقوق سایر اشخاص نیز لحاظ خواهد شد و به نوعی سود متعلق به تمام اشخاص خواه دارای آورده نقدی باشند، خواه غیر نقدی لحاظ می‌گردد [۵، ص ۴۷۰]. این امر به صراحت در ماده ۲۹۰ آینه‌نامه اجرایی قانون شماره ۱۵۹ مصوب ۱۹۸۱ مصر آمده است [۲، ص ۱۷۴].

### ۱-۲-۱. تصمیم مجمع عمومی فوق العاده شرکت

مطابق بند ۱ ماده ۱۳۵ قانون شماره ۱۵۹ مصوب ۱۹۸۱ با اتخاذ تصمیم در مجامع عمومی فوق العاده شرکت‌های طرف ادغام در شرکت‌های سهامی یا گروهی از شرکا که اکثریت لازم را مطابق قانون جهت اصلاح اساسنامه دارند-که مطابق ماده ۷۰ قانون مذکور سه چهارم سهامداران یا سرمایه‌داران شرکت- نظر خود را اعلام می‌دارند [۳، ص ۲۲۵؛ ۵، ص ۴۸۴]. البته لازم به ذکر است که اگر اخذ تصمیم توسط اکثریت موجب افزایش تعهدات سهامداران یا شرکا گردد، اجماع شرکا یا سهامداران ضرورت دارد [۵]



ص ۴۸۳.

### ۲-۱-۳. تصمیم وزیر بازرگانی

مطابق بند ۱ ماده ۱۳۰ قانون شماره ۱۵۹ مصوب ۱۹۸۱ برای این‌که ادغام شکل قانونی و معتبر به خود گیرد باید وزیر بازرگانی با در خواست ادغام موافق باشد و آن را امضا کند. وزیر مذکور با دریافت تجویز ادغام، موضوع درخواست را به هیأت عمومی بازار ارجاع و این هیأت بعد از بررسی این امر که ادغام، تمام شرایط شکلی را رعایت کرده، نظر خود را به صورت مكتوب به وزیر اعلام و براساس آن مجوز ادغام صادر می‌گردد و بعد از صدور مجوز، ادغام رسمیت می‌یابد [۵، ص ۴۹۱].

آنچه در این میان وجود دارد این است که ارزیابی اموال شرکت‌های طرف ادغام لاجرم قبل از تصویب ادغام در مجامع شرکت صورت می‌پذیرد و بعد از آن نیز ادغام باید به تأیید وزیر صالح برسد. حال اگر در این مدت افزایش یا کاهشی در دارایی شرکت‌هایی که طرف ادغام هستند صورت گیرد، تکلیف چیست؟ امری که با توجه به اهمیت آن در ادغام شرکت‌های تجاری راه حل قطعی در حقوق مصر ندارد.

### ۲-۲. حقوق ایران

در قوانین ایران در ارتباط با ادغام مقررات مفصلی وجود ندارد و تنها برخی از قوانین پراکنده به موضوع ادغام پرداخته‌اند. ادغام قراردادی است که شرکت‌های تجاری با اهداف متقاوی ممکن است اقدام به تصویب آن کنند. بدون ورود به شرایط عمومی انعقاد قراردادها، صرفاً شرایط اختصاصی ادغام را به اختصار بیان می‌کنیم.

#### ۲-۲-۱. پیش‌نویس ادغام

با توجه به قوانین حاکم بر شرکت‌های تجاری معمولاً تغییرات اساسی شرکت مستلزم تغییر اساسنامه و شرکتname آن است. برای انجام چنین امری مدیر یا اعضاء هیأت‌مدیره با طرح پیشنهاد خود به مجمع عمومی فوق العاده یا شرکای شرکت و ذکر توجیه آن و

ارائه آن به بازرسان در صورت وجود بازرس در شرکت، اتخاذ تصمیم را بر عهده شرکا یا سهامداران قرار می‌دهند. شرکا یا سهامداران نیز با اتخاذ تصمیم در چارچوب قانون و مقررات اساسنامه و شرکت‌نامه اخذ تصمیم می‌کنند.

## ۲-۲-۲. تصمیم شورای رقابت

طبق ماده ۴۹ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴ شرکت‌های تجاری می‌توانند درخصوص این‌که ادغام آنان مشمول منع ناشی از قانون مذکور است یا خیر، از شورای رقابت کسب تکلیف کنند. با استعلام از این شورا، شورای مذکور موظف است حداقل ظرف یک ماه از تاریخ وصول تقاضا آن را بررسی کند و نتیجه را به مقاضی اعلام دارد. با توجه به قانون مذکور کسب تکلیف از شورای رقابت از سوی شرکت‌ها امری اختیاری است و ممکن است شرکت‌ها با یکدیگر ادغام گردند و امور آن‌ها به این شورا ارجاع نگردد.

## ۳. ملاک ارزیابی

با روشن شدن فرایند ادغام، این سؤال مطرح می‌گردد که ملاک تعیین ارزش سرمایه شرکت‌ها، ارزش چه زمانی است؟ آیا زمان توافق بین دو شرکت را باید به عنوان ملاک در نظر گرفت یا زمان تصویب ادغام در مجتمع عمومی فوق العاده شرکت‌ها و یا شرکا را به عنوان معیار باید پذیرفت؟

## ۳-۱. حقوق مصر

با توجه به این امر که حقوق مصر از یک سو تحت تأثیر نظام حقوقی فرانسه و از دیگر سو نظام اسلامی است، در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد. عده‌ای اعمال قواعد حاکم بر ادغام در فرانسه را به عنوان را حل در نظر می‌گیرند و عده‌ای دیگر برای رسیدن به نتیجه، مراجعه به موازین فقهی را را حل این سکوت می‌دانند.

### ۳-۱-۱. روش های اقتباسی از فرانسه

در فرانسه دو روش برای زمان ارزیابی اموال شرکت های طرف ادغام ارائه شده است: روش اول: در این روش زمان انتقال دارایی شرکت ادغام شونده به شرکت ادغام کننده تاریخ پیش نویس ادغام است؛ بنابراین در حد فاصل زمان پیش نویس ادغام تا زمان انتقال اموال و قطعی شدن ادغام، هر حق یا تعهد جدیدی که ایجاد گردد به شرکت ادغام کننده منتقل می گردد؛ اما دیگر محاسبه جدیدی انجام نمی گیرد. اثر مذکور صرفاً در ارتباط با شرکت های طرف ادغام مجري است و در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست و اشخاص ثالث نیز حق استناد به این موضوع را ندارند [۳، ص ۱۹۶].

روش دوم: شرکت های طرف ادغام در این روش در زمان انعقاد قرارداد ادغام، یک تاریخ خاص را مشخص می کنند که در تاریخ مذکور تمام حقوق و تعهدات شرکت های ادغام شونده بر عهده شرکت ادغام کننده است و مازاد بر آن شرکت ادغام کننده تکلیفی بر عهده ندارد. رویه قضایی فرانسه در این خصوص مقرر داشته که مجمع عمومی فوق العاده شرکت برای آن سال مالی که در توافق ادغام نسبت به آن اخذ تصمیم نشده است، تشکیل شود تا بعد از تصویب ترازنامه آن سال مالی بتوان در خصوص نهایی شدن قرارداد ادغام تصمیم گرفت [۳، ص ۱۹۷].

### ۳-۱-۲. دیدگاه های فقهی

با توجه به جدید بودن موضوع ادغام، در فقه نظر خاصی در این خصوص وجود ندارد، اما با عنایت به مبحث تشکیل شرکت در فقه، پاسخ به این سوال که امتزاج اموال شرکا چه تأثیری بر ایجاد عقد شرکت دارد می تواند با توجه به مشابهت ادغام با تشکیل شرکت، به عنوان یک راه حل مورد استفاده قرار گیرد.

فقهای اهل سنت به طور کلی دو دیدگاه در خصوص نقش امتزاج اموال در تحقق عقد شرکت ارائه کرده اند:

دیدگاه اول: امتزاج شرط صحت عقد شرکت است؛ یعنی این که با انعقاد عقد شرکت و همزمان با ایجاب و قبول اموال و حصص شرکا باید با یکدیگر ممزوج گردد. در این دیدگاه عقد شرکت به عنوان یک عقد عینی است و بدون اختلاط اموال اصولاً عقد شرکت

ایجاد نمی‌گردد [۶، ص ۳۴۵؛ ۷، ص ۶۹۲؛ ۸، ص ۲۲۵؛ ۹، ص ۲۷۷؛ ۱۰، ص ۴۰؛ ۷، ص ۶۹۶].

دیدگاه دوم: عقد شرکت با ایجاب و قبول ایجاد می‌گردد. در این نظر امتزاج شرط ضمانت است. با انعقاد عقد شرکت طرفین با یکدیگر شریک محسوب می‌گردند؛ ولی تا زمانی که امتزاج صورت نگیرد، حصه هر شریک که تلف گردد، این تلف از اموال اختصاصی آن شریک محسوب می‌گردد و ضرر به طرف مقابل قابل قابل تسلیم نیست [۱۱، ص ۶۰؛ ۷، ص ۶۲].

### ۲-۳. حقوق ایران

مانند سایر موارد گفته شده در این خصوص نیز حکم خاصی در قانون تجارت ایران نیامده است و دلیل آن نیز همان‌گونه که گفته شد عدم تصریح به ادغام است که خود باعث مغفول ماندن ماهیت و آثار ادغام شده است. سؤال قابل طرح در حقوق ایران، این است که آیا زمان انتقال اموال و محاسبه دارایی شرکت‌های طرف ادغام همزمان با هم است یا خیر؟ برای ادغام مراحلی طی می‌شود که مستلزم گذشت زمان، است. در این فواصل زمانی امكان تغییر ارزش اموال و در نتیجه ارزش سهم یا سهم الشرکه شرکت‌ها وجود دارد. تا زمانی که شرکت‌ها با یکدیگر ادغام نشده‌اند، همچنان دارای شخصیت حقوقی هستند و نمی‌توان گفت از زمان تهیه پیش‌نویس تا زمان ادغام شرکت‌ها دست از فعالیت اقتصادی خود بکشند، چرا که این امر با قواعد و اصول تجارت که همان بحث سرعت و گردش ثروت است مغایرت دارد. از سوی دیگر با توجه به اصول کلی تا زمانی که انتقال کامل اموال شرکت ادغام شده صورت نپذیرد، همچنان شرکت از شخصیت حقوقی برخوردار دارد.

### ۳-۱. دیدگاه‌های فقهی

در فقه در خصوص این‌که آیا امتزاج اموال از شرایط انعقاد عقد شرکت است یا خیر، میان فقهاء اختلاف نظر وجود دارد. گروهی از فقهاء معتقدند که امتزاج اموال با یکدیگر در عقد شرکت لازم و ضروری است و در واقع تا عقد شرکت با امتزاج همراه نشود



شرکت ایجاد نمی‌گردد [۱۲، ص ۲۷۵]. برخی دیگر از فقهاء معتقدند که عقد شرکت در اعیان قابل ایجاد و تحقق نیست و دلیل آن را چنین ذکر کرده‌اند که امکان اختلاط و امتزاج در اعیان نیست. لذا ایده‌شان معتقدند که از شروط صحت شرکت این است که مال الشرکه در یکدیگر ادغام گردد، به نحوی که قابل تمیز و تشخیص از یکدیگر نباشد، در غیر این صورت، عقد شرکت ایجاد نخواهد شد [۱۳، ص ۳۴۵].

شرکت واقعی به دو دسته تقسیم می‌شود: شرکت قهری و شرکت اختیاری که در این خصوص برخی از فقهاء چنین گفته‌اند:

۱. شرکت واقعی قهری، مانند اینکه دو یا چند نفر مالی را به ارث برد. در اینجا شرکا به صورت واقعی در تمام اجزای مال شریکند.

۲. شرکت واقعی اختیاری که خود به چهار صورت قابل تصور است:  
صورت اول: سبب شرکت مستند به عقد نیست، مانند جایی که دو نفر زمین مواتی را به صورت مشترک احیا کنند.

صورت دوم: جایی که دو نفر برآ ساس قرارداد طرف معامله تملیکی واقع شوند و مالی را تملک کنند.

صورت سوم: شرکتی که در اثر تشریک واقع گردد شرکت واقعی محقق می‌گردد.  
عقد تشریک در جایی محقق می‌گردد که به موجب آن شخصی دیگری را در مال خود شریک می‌گرداند.

صورت چهارم: شرکت واقعی که به موجب عقد شرکت محقق می‌گردد. در این نوع از شرکت چند نفر یکدیگر را در اموال خود شریک می‌کنند [۱۴، ص ۹۳].

امام خمینی (ره) در پاسخ به سؤالی درخصوص این‌که شرکت‌های تجاری که مطابق قانون موضوعه شرکت تشکیل می‌گردند، از حیث صحت تشکیل این قبیل شرکت‌ها و اعمال تصرفات و معاملات و قراردادهای مربوط چه وضعیتی دارند، فرمودند: «صحت شرکت منوط به این است که سرمایه نقدي و قابل امتزاج باشد و پیش از بهکارگیری امتزاج حاصل شود، تصرف در مال مشترک موقوف بر اجازه تمام شرکا است، شرکت از عقود جایزه است و با فوت یکی از شرکا باطل نمی‌شود، گرچه شریک نمی‌تواند بعد از مردن شریکش تصرف کند و هریک از شرکا به نسبت شرکت

در سرمایه در امور مربوط به شرکت مسئولیت دارد و هر شریک هر مقدار سهم داشته باشد یک رأی دارد و شرکت می‌تواند شخصیت حقوقی داشته باشد و مراعات مقررات دولت اسلامی لازم است» [۱۵، ص ۶۱۱-۶۱۲].

### ۳-۲-۲. روش‌های قانونی (حقوقی)

نکته قابل ذکر این است که در قوانین ایران درخصوص زمان ارزیابی اموال شرکت‌های طرف ادغام مقرراتی وجود ندارد، اما مقررات تشکیل شرکت‌ها و افزایش سرمایه را که تا حدودی با ادغام ساده و مرکب مشابهت دارد و نیز دیدگاه حقوقدانان در خصوص تأثیر مشخص بودن یا نبودن میزان اموال در قراردادها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۳-۲-۲-۱. قانون تجارت ۱۳۱۱

در این قانون شرکت‌های تجاری با توجه به مواد ۹۶، ۱۱۸ و ۱۸۵ زمانی تشکیل شده محسوب می‌شوند که سرمایه نقد تسلیم و سرمایه غیر نقد نیز تقویم و تسلیم شده باشد. حال اگر ادغام ساده را افزایش سرمایه و ادغام مرکب را تشکیل شرکت جدید بدانیم، آورده‌ی شرکا نقد یا غیر نقد است. در صورت نقد بودن، ایرادی به وجود نمی‌آید، اما اگر سرمایه غیر نقد باشد، این آورده‌ها توسط شرکا ارزیابی می‌گردد و به عنوان سرمایه‌ی شرکت پذیرفته می‌شود.

سؤالی که در این خصوص مطرح می‌گردد این است که: ارزیابی چه زمانی ملاک عمل خواهد بود، قبل از ارائه پیش‌نویس افزایش سرمایه توسط هیأت‌مدیره یا بعد از آن؟ در تشکیل قطعاً این امر قبل از نهایی شدن تشکیل و در زمان ارائه پیشنهاد تشکیل شرکت اتفاق می‌افتد؛ اما اگر نوسانی رخ دهد معلوم نیست تکلیف چیست.

#### ۳-۲-۲-۲. لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷

در قانون مذکور برای تشکیل و افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی عام و خاص در قسمت ارزیابی سرمایه‌ی غیر نقد مقتن در ماده ۷۶ مؤسسین یا هیأت‌مدیره را مکاف به اخذ نظر کارشناس رسمی دادگستری دانسته است. ارزیابی کارشناس رسمی



دادگستری را مؤسسه‌سین قبل از تشکیل مجمع مؤسس و در زمان تهیه مقدمات تشکیل شرکت انجام می‌دهند. در افزایش سرمایه، صرفاً به شرکت سهامی خاص طبق تبصره ۱ ماده ۱۵۸ این قانون اجازه داده شده است که مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد تأثیه شود. در اینجا نیز ارزیابی قبل از اتمام مهلت افزایش سرمایه صورت می‌پذیرد، اما اگر نوسانی در این میان اتفاق افتد، تکلیف آن مشخص نیست.

### ۳-۲-۲-۳. برخی از قانون‌های خاص

هرچند در نوشه حاضر به ادغام‌های قانونی یا قهری پرداخته نشده است، اما راه حل قانونگذار را به عنوان یک شیوه بیان می‌داریم. در برخی از لوایح قانونی و قانون‌های خاص، قانونگذار برای ادغام شرکت‌های دولتی و بانک‌ها تکالیف خاصی را مقرر داشته است؛ از آن جمله می‌توان به لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها مصوب ۱۳۵۸ اشاره کرد که در ماده ۱۸ آن مقتن تعویض سهام بانک‌های سابق با سهام بانک جدید را مشروط به محاسبات فنی و حقوقی سهام سابق کرده است. در ماده واحد ادغام شرکت‌های دولتی که در زمینه تولید و پرورش طیور فعالیت دارند (مصطفوی ۱۳۷۱) مبنای محاسبه اموال شرکت‌های مشمول قانون، ارزش دفتری تعیین شده است. در مواد ذکر شده نیز زمان خاصی را مقتن مشخص نکرده است و ابهام زمان ارزیابی همچنان وجود دارد.

### ۳-۲-۳. نظریه حقوقدانان

در حقوق ایران درباره این‌که آیا مشخص بودن ارزش واقعی مورد معامله در زمان انعقاد قرارداد، ضروری است یا خیر و این‌که عدم تعیین ارزش مورد معامله چه اثری بر قرارداد خواهد گذاشت، نظریه‌های متفاوتی وجود دارد، از جمله این‌که آیا با عدم تعیین ارزش مورد معامله، می‌توان عقد بیعی را ایجاد کرد و ثمن آن را در آینده مشخص کرد یا خیر؟ حقوقدانان در خصوص این امر که آیا علم اجمالی کافی است یا علم تفصیلی ضرورت دارد مباحث توجهی ارائه کرده‌اند و اختلافات زیادی با یکدیگر دارند که به شرح آتی به آن‌ها می‌پردازیم.

### ۳-۲-۱. نظریه علم تفصیلی

در تعریف علم تفصیلی گفته شده است: در مواردی که از جهتی قطع و یقین و از جهت دیگری اجمال و ابهام وجود داشته، آن قطع را علم اجمالی گویند و اگر اجمالی نباشد آن را علم تفصیلی نامند [۱۶، ص ۲۶۲۴].

در خصوص چگونگی رفع ابهام و تحصیل علم معتبر در باب مربوط به عقود معین در رابطه با هر عقد، برخی موارد وجود دارد که علم به برخی از موارد برای صحبت آن عقد ضرورت دارد. قانون مدنی در برخی از مواد به صراحت به علم تفصیلی حکم کرده است که از آن جمله می‌توان به مواد ۳۵۱ و ۳۴۲ در بحث عقد بیع و ۴۷۲ و ۴۶۸ در عقد اجاره و ۵۱۸ و ۵۱۴ در عقد مزارعه اشاره کرد [۱۷، ص ۵۲-۵۳].

### ۳-۲-۲. نظریه علم اجمالی

برخی از حقوقدانان معتقدند که «... در کنار قاعده عمومی، پارهای از موارد وجود دارد که قانونگذار تسامح را ضروری می‌بیند و علم تفصیلی به مورد معامله را شرط نمی‌داند؛ ولی در هر حال به مجهول نمی‌توان تعهد کرد و موضوع التزام باستی قابل تعیین و تنفيذ باشد. نمونه‌هایی از این موارد خاص نیز در قانون دیده می‌شود؛ مانند ماده ۶۹۴ [قانون مدنی] که در آن می‌خوانیم: «علم ضامن به مقدار و اوصاف و شرایط دینی که ضمانت آن را می‌نماید شرط نیست...» یا ماده ۵۶۳ [قانون مدنی] که اعلام می‌کند: «در جuale، معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست...» و ماده ۵۶۴ [قانون مدنی] که در همین زمینه می‌افزاید: «در جuale، گذشته از عدم لزوم تعیین عامل، ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد» یا ماده ۷۵۲ و ۷۶۶ [قانون مدنی] که صلح دعاوی احتمالی و فرضی را مباح می‌شمرد؛ ولی پاسخ این سؤال روشن نیست که آیا موارد خاص را باید قانون به طور صریح معین کند یا از نمونه‌های داده شده می‌توان قاعده‌ای استخراج کرد و به موارد مشابه سوابیت داد؟ منطق چنین حکم می‌کند که احتمال نخست پذیرفته شود؛ زیرا همان‌طور که قاعده به عنوان مرز آزادی قراردادها در قانون آمده است، استثنایها نیز باید در همان قانون جستجو شود. و انگهی احکام استثنایی را باید تفسیر محدود کرد تا حرمت قواعد محفوظ بماند؛ ولی حقوق

تنها زندگی منطقی ندارد و بسیاری از قواعد آن تابع رسوم و عادات و نیازها است» [۱۸، ص ۱۹۹].

برخی بر این عقیده‌اند که بهترین ضابطه‌ای که در این زمینه می‌توان پذیرفت ضابطه عرفی است. در واقع مواد قانونی مربوط به علم اجمالي مبتنی بر عرف است و در مواردی هم که نص قانونی وجود نداشته باشد، برای تشخیص این‌که آیا علم اجمالي کفايت می‌کند یا نه باید به عرف رجوع کرد. در تأیید این نظر می‌توان چنین استدلال کرد:

اولاً دلیلی وجود ندارد که موارد علم اجمالي منحصر به مواد منصوص در قانون باشد. این نظر نه با فقه اسلامی وفق می‌دهد نه با عرف امروز و نه با مصلحت اجتماعی که تسهیل معاملات مردم را ایجاب می‌کند.

ثانیاً ضابطه قراردادهای مبتنی بر تسامح کافی برای رفع نیازهای امروز نیست وانگهی همه موارد مصرح در قانون را نمی‌شود با این معیار توجیه کرد. مثلاً بنا بر م‌ستفاد از ماده ۵۵۳ ق.م در عملیات مورد مضاربه علم تفصیلی و ذکر تجارت خاص لازم نیست و علم اجمالي کافی است، حال آن‌که مضاربه را نمی‌توان یک قرارداد مسامحه به شمار آورد.

ثالثاً ضابطه عرفی با فقه اسلامی هم سازگار است، چه مبنای فقهی بطلان معامله مجھول، قاعده غرر است که معیار آن عرف است؛ یعنی هر جا که به علت جهل به یکی از ارکان عقد، معامله عرفاً خطرناک محسوب شود، به گونه‌ای که عرف از آن اجتناب کند، بر طبق قاعده غرر، فقها آن را باطل می‌دانند. در اینجا مانند بسیاری از موارد دیگر معیار تشخیص عرف است. یکی از مصادیق کفايت علم اجمالي که بعضی از فقها ذکر کرده‌اند موردي است که مالی به قیمت بازار فروخته می‌شود. این معامله از آن‌جا که غرری محسوب نمی‌شود صحیح تلقی شده است.

رابعاً این ضابطه از ملاک ماده ۵۵۳ قانون مدنی هم قابل استنباط است، چه در این ماده، چنان‌که اشاره شد، برای تشخیص تجارت مورد مضاربه به عرف ارجاع گردیده و چنان است که رفع غرر و علم اجمالي با توجه به عرف کافی شناخته شده است و چون از این لحاظ خصوصیتی در مضاربه نیست، می‌توان این قاعده را به سایر

قراردادها گسترش داد [۱۹، ص ۱۳۴-۱۳۵].

### ۳-۲-۳-۱. غرر و اثر آن در علم اجمالي

آنچه از عبارت حقوقدانان مشخص می‌گردد این است که اشکال اساسی در این رابطه، یعنی اکتفا به علم اجمالي، احتمال ورود به غرر را زیاد می‌کند. در بدو امر نیز چنین به نظر می‌رسد؛ بنابراین باید این مورد روشن شود که اصولاً غرر چیست و چگونه ممکن است در قرارداد وارد گردد و راهکار چیست؟ غرر در لغت به معنای خدعاً، اغفال، خطر، غفلت است [۲۰، ص ۲۲].

در اصطلاح معامله غرری به معامله‌ای گفته می‌شود که به یکی از جهات معامله برای یکی از طرفین معامله مجھول باشد و این امر باعث شود که احتمال ورود ضرر در میان باشد، این معامله غرری و باطل است [۲۱، ص ۴۸۹].

فقها اتفاق نظر دارند که در معنای غرر، جهالت وجود دارد و جهل مورد اتفاق تقاضاً، موجود در معنای غرر است، خواه این جهل در اصل وجود مبيع باشد خواه در اصول عام و یا صفات مبيع یا ثمن از حیث کمیت یا کیفیت [۱۸، ص ۲۴-۲۵].

با توجه به گفته مذکور مشخص می‌گردد که جهالت مذکور در نظر فقهای شیعه می‌تواند یا به صورت تردید در موجود بودن مورد معامله یا تردید در قدرت تسليم مورد معامله یا تردید در کمیت یا کیفیت مورد معامله باشد. در بحث ما می‌توان گفت به نوعی در نگاه اول هر سه مورد ممکن است مصدق پیدا کند. اگر ما پیش‌نویس طرح ادغام را به عنوان منبع ارزیابی حصه شرکت‌های طرف ادغام پذیریم، اولین تردید این است که آیا در زمان انجام ادغام و امتزاج اموال تمام شرکت‌هایی که طرف ادغام از باب ارزیابی سرمایه و به نوعی میزان سهام و حصه خود مطرح کرده‌اند، باقی خواهد ماند؟ همچنین این تردید وجود دارد که آیا تمام اموال مذکور قابل تسليم به شرکت ادغام کننده یا شرکت جدیدی که ایجاد می‌گردد است یا خیر؟ چرا که ممکن است طلبکاران شرکت که حق وثیقه ذسبت به اموال مذکور دارند حاضر به پذیرش ادغام و این جایه جایی نباشند. همچنین تردید در کمیت و کیفیت مورد معامله نیز قطعاً وجود خواهد داشت؛ به این دلیل که مشخص نیست آیا ارزش اعلامی حصه شرکت یا



شرکت های ادغام شونده که در پیش نویس ادغام آمده است، همان ارزشی است که در لحظه ادغام و امتزاج اموال به شرکت ادغام کننده یا شرکت جدید می رسد. البته همین تردید نیز درخصوص ارزش دارایی شرکت ادغام کننده در زمان ادغام وجود دارد. از آنجا که تجارت و پرداختن به اعمال تجاری همواره دارای نوسان است، احتمال ورود ضرر یا نفع در شرکت های تجاری همیشه وجود دارد. طبعاً برای شرکای شرکت های ادغام شونده و ادغام کننده، ادغام و آثار آن دارای اهمیت بسزایی است. آن ها می خواهند به صورت قطعی بدانند چه میزان ارزش به عنوان سهام وارد در شرکت ادغام کننده یا شرکت جدید می کنند و چه میزان سهام الشرکه یا سهام شرکت ادغام کننده یا جدید به آن ها تعلق خواهد گرفت.

### ۳-۲-۲-۲. مغابنه و مسامحه و اثر آن در علم اجمالي

همان گونه که سابقاً گفته شد ادغام دارای ماهیت خاص است و در قالب عقود موجود در قانون مدنی قابل تحلیل و تفسیر نیست؛ بنابراین اگر درخصوص احتمال ورود غرر در این معامله دچار شک و تردید بشویم، باید به این سؤال نیز پاسخ بگوییم که ادغام از حیث موضع بودن یا نبودن چه وضعیتی دارد؟

شرکت ادغام شونده تمام حقوق و تعهدات خود را به شرکت ادغام کننده انتقال می دهد و در مقابل آن شرکت ادغام کننده، سهام یا سهام الشرکه به شرکا یا سهامداران شرکت ادغام شونده پرداخت می کند. از این حیث می توان گفت، در ادغام ساده آنچه اتفاق می افتد، ورود به شرکت موجود است. در ورود به شرکت موجود هر شخص با توجه به میزان آورده خود از سهام الشرکه شرکت موجود سهام الشرکه ای دریافت می کند؛ بنابراین در ادغام ساده می توان گفت یک نوع معاوضه صورت می پذیرد، اما بر ادغام ترکیبی که اثر آن ایجاد شرکت جدید است، نمی توان اثر مذکور را بار کرد؛ بنابراین سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است ادغام ترکیبی مبتنی بر مغابنه است یا مسامحه؟ عقد مغابنه ای را عقد مکایسه ای می گویند. عقد مغابنه ای عقدی است که طرفین عقد، با اعمال دقت و قصد تحصیل حداقل امتیاز ممکن عقد را ایجاد می کنند، همانند عقد بیع که ارافق، تسامح و تساهل در آن وجود ندارد [۲۱، ص ۲۵۹۴].

عقود مسامحه‌ای از آن دسته از عقودند که در آن طرفین عقد به مادیات نمی‌اندیشند و هدف‌های اخلاقی بر سودجویی متعارف غلبه دارد [۲۲، ص ۱۲۸].

در این خصوص که ادغام مغابنه‌ای یا مسامحه‌ای محسوب می‌شود به نظر می‌رسد باید قائل به تفکیک بین ادغام ساده و مرکب باشیم. در ادغام ادغام ساده، همان‌گونه که سابق بر این گفته شد شرکت‌هایی که به عنوان شرکت‌های ادغام شونده وارد در شرکت ادغام کننده می‌شوند در واقع سرمایه متعلق به شرکا را به عنوان آورده وارد در شرکت ادغام کننده می‌کنند. طبعاً در خصوص این نوع سرمایه‌گذاری طرفین به دنبال تأمین حداکثری منافع خود هستند. شرکت یا شرکت‌های ادغام شونده با توجه به توجیه خاص خود حاضر به از دست دادن شخصیت حقوقی خود و انتقال سرمایه خود به شرکت ادغام کننده می‌گردند. در طرف مقابل نیز شرکت ادغام کننده با توجه به نیازهای خود حاضر به پذیرش شرکت‌های ادغام شونده (شرکا و سرمایه شرکت‌های ادغام شونده) می‌شوند؛ بنابراین در این گونه ادغام شرکت‌های طرف ادغام هر کدام به نوعی صرفه و صلاح خود را در این قرارداد مد نظر دارند. نتیجه این می‌شود که قطعاً ادغام ساده عقدی مبتنی بر مسامحه نیست. حال این‌که آیا چنین قراردادی مبتنی بر مغابنه است یا خیر در ادامه بررسی می‌شود.

اما در ادغام مرکب که دو یا چند شرکت با یکدیگر ادغام می‌گردند، با از دست دادن شخصیت حقوقی خود شرکت جدید با شخصیت حقوقی جدید تشکیل می‌دهند. در این مورد از ادغام، شرکت‌های طرف ادغام مصلحت خود را در این می‌بینند که هر کدام سرمایه خود را جهت پرداختن به موضوع مد نظر به شرکت جدید انتقال دهند. در این‌جا همانند ادغام ساده، طرفین طبعاً قصد تسامح ندارند؛ اما آیا طرفین به دنبال مغابنه‌اند یا خیر؟ همان‌گونه که برخی از حقوقدانان نیز گفته‌اند: «مفهوم قصد شرکت، به معنای اراده، اتحاد و یا همکاری در منافع است. در قراردادهای موضوع در بیشتر موارد رویارویی منافع میان طرفین وجود دارد و منافع هریک با دیگری در تعارض است؛ مانند عقد بیع که در آن خریدار و فروشنده با یکدیگر در تضاد هستند و هریک در صدد تأمین منافع خویش است. ولی در شرکت همه شریکان ذی نفع در حسن اجرای امور هستند و انگیزه‌ها یا امتیازات شخصی جنبه ثانوی دارند» [۲۲، ص ۶۸].

با توجه به این نکته می‌توان گفت که هرچند در بدو امر ممکن است به نظر بررسد که در ادغام ساده طرفین باید به دنبال کسب سود خود باشند، اما اگر به صورت دقیق نگاه کنیم اصولاً هدف مشترک طرفین حتی اگر به دنبال نفع صدرصدی باشند، اما در تقابل با یکدیگر نیست، چرا که در نهایت امر این هدف مشترک که همان کسب سود بیشتر است، هدف طرفین است. لاجرم منافع به شرکا می‌رسد و تفاوتی نمی‌کند که از شرکت ادغام شونده یا شرکت ادغام کننده باشند. عکس آن نیز صادق است که اگر شرکا به دنبال ورود ضرر به یکدیگر باشند، در نهایت آنچه حاصل می‌گردد ضرری است که حاصل فعالیت شرکت می‌گردد و در نتیجه اثر آن به شرکا شرکت می‌رسد؛ بنابراین در شرکت موضوع دارای اهمیت، این است که شرکا در شرکت‌های طرف ادغام نه به دنبال مغایبۀ در معنای اخص خود هستند و نه به دنبال مسامحه و گذشتن از حقوق خود، بلکه یک نوع اشتراک مساعی است که با به کار بستن بیشترین سعی و تلاش خود شرکا به دنبال رسیدن به حداقل سود هستند [۲۴، ص ۱۴۴]. قانون مدنی عقود را به مغایبۀ و مسامحه‌ای تقسیم نکرده است، ولی ماده ۷۶۱ قانون مدنی بیان می‌کند: «صلحی که در مورد تنازع یا مبنی بر تسامح باشد، قاطع بین طرفین است و هیچ یک نمی‌تواند آن را فسخ کند، اگرچه بر ادعای غبن باشد، مگر در صورت تخلف شرط یا اشتراط خیار». همچنین برخی از حقوق‌دانان معتقدند که قسمت پایانی ماده ۲۱۶ قانون مدنی مربوط به عقود مسامحه است [۲۱، ص ۱۳۲-۱۳۳]. این ماده مقرر می‌دارد: مورد معامله باید مبهم نباشد، مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است.

با استقرارا در موارد خاصی که در مورد عقود مغایبۀ و مسامحه‌ای وجود دارد می‌توان گفت: آن‌جا که قرارداد بر مبنای مسامحه ایجاد می‌گردد، طرفین با توجه به نوع نیازی که دارند یا آنچه به عنوان دلیل انعقاد قرارداد است، برخی از احتمالات را در روابط خود می‌پذیرند؛ بنابراین آن‌جا که بحث احتمال در انعقاد عقود مطرح می‌شود، علم اجمالی طرفین کفایت می‌کند. لذا عقودی از جمله ضمان، بیمه، مشارکت‌ها و عقود رایگان از همین قاعده تبعیت می‌کند. حقوق‌دانانی که دارای این دیدگاه‌ند دو نکته را به عنوان موارد ضروری جهت تحلیل و تفسیر موارد علم اجمالی مدنظر دارند:

۱. در عقود مسامحه‌ای جهت اجرای قاعده مذکور آنچه باید مد نظر باشد این است که اجرای این قاعده دارای ملاک نوعی است، نه شخصی.

۲. در مواردی که نیاز عمومی اقتضا دارد که معامله‌ای مشمول اجرای قاعده علم اجمالی و تسامح درخصوص این علم گردد، تشخیص این امر با مفنن است و دادرس حق ندارد هر جا که خود صلاح بداند اجرای قاعده را در مورد مد نظر خود مستند صدور حکم خود قرار دهد [۲۵، ص ۲۰۰]. با توجه به این دیدگاه می‌توان گفت: اجرای علم اجمالی مبتنی بر اصول و قواعد خاصی است که معمولاً در قواعد و مقررات حقوقی و فقهی وجود دارد و تخلف از آن نمی‌تواند بدون دلیل و مبنای صورت پذیرد.

سؤالی که مطرح می‌گردد این است که قرارداد ادغام به عنوان یک عقد نو ظهور در حقوق ایران جزء عقود مسامحه‌ای است یا عقود مغاینه‌ای؟ آنچه که با تدقیق در این دیدگاه می‌توان گفت این است که ادغام در واقع ورود به شرکت موجود یا تشکیل شرکت جدید است و بنابراین علم اجمالی درخصوص عوضین کفایت می‌کند.

یکی از حقوق‌دانان با مطرح کردن مصلحت کامنه این موضوع را چنین شرح می‌دهد: مصلحت کامنه، مصلحتی است که نهاد یا طبع عقدی از عقود (یا ایقاعات) اقتضای آن را دارد به نوعی که طرف قرارداد، غیرممکن است که بدون التفات به آن اقدام به انعقاد عقد نمایند. در واقع این مصلحت به عنوان یک مصلحت زیربنایی عقود می‌باشد. این همان مصلحتی است که در عقود لازم همانند بیع یا نکاح یا بیمه اقتضای لزوم آن‌ها را دارد [۵۱۶، ص ۲۶].

حقوق‌دانانی که عرف را به عنوان ملاک تشخیص علم اجمالی و تفصیلی مطرح می‌کنند، چنین می‌گویند:

۱. دلیلی وجود ندارد که مورد علم اجمالی را محدود به موارد منصوص در قانون کرد.

۲. ملاک عرفی با فقه اسلامی هم سازگار است؛ چرا که ملاک بطلان معامله مجہول، قاعده غرر است که مبنای آن عرف است؛ یعنی هر جا که به علت جهل به یکی از ارکان عقد، معامله عرفاً خطرناک یا مجہول محسوب شود، به گونه‌ای که عرف از آن اجتناب کند، بر طبق قاعده غرر، فقهاء آن را باطل می‌دانند. در اینجا مانند بسیاری از موارد



دیگر معیار تشخیص عرف است [۱۸، ص ۱۳۵].

اگر عرف را ملاک عمل بدانیم، با توجه به این‌که علم تفصیلی در ارزش سهام یا سهم‌الشرکه‌ای که در مقابل انتقال اموال از شرکت‌های ادغام شونده به شرکای این شرکت‌ها اختصاص می‌یابد و فاصله زمانی که از تاریخ توافق اولیه و ارزیابی سرمایه شرکت‌های طرف ادغام تا زمان ادغام به طول می‌انجامد که در این فاصله زمانی ارزش سهام یا سهم‌الشرکه تغییر پیدا می‌کند، نمی‌توان علم تفصیلی را به معنای اخص در ادغام مؤثر دانست؛ بنابراین، حتی اگر علم تفصیلی را ملاک عمل قرار دهیم، عرف ناچار به پذیرش این میزان از مسامحه و نادیده گرفتن ارزش اموال شرکت‌های طرف ادغام است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

درخصوص ادغام شرکت‌های تجاری، به نظر می‌رسد با توجه به این‌که ماهیت آن پیچیده و خاص است و از سوی دیگر حسب تازه بودن این امر در حقوق ایران و مصر از یک سو و عدم ارائه راهکار در فقه اسلامی برای موضوع مذکور، می‌توان این گونه استنباط کرد که با توجه به اصول کلی حاکم بر قراردادها، با انجام تمام مراحل مربوط به ادغام و اخذ موافقت شرکا یا سهامداران برای انجام این عمل حقوقی و اخذ مجوز از سوی نهادهای نظارتی، هیأت‌مدیره شرکت‌های طرف ادغام در آخرین مرحله و قبل از نهایی کردن قرارداد ادغام، ظرف مدت خاصی نظریه کارشناسان رسمی دادگستری را اخذ و قرارداد ادغام را نهایی می‌کنند بنابراین نیاز به ارزیابی و ارائه ارزش اموال در زمان ارائه گزارش به مجمع عمومی فوق العاده تو سط هیأت‌مدیره وجود ندارد. چنانچه این دیدگاه از سوی مفنن مورد پذیرش قرار گیرد، در حداقل زمان ممکن ارزیابی اموال انجام می‌گردد و اگر در این مدت اندک تغییرات کوچکی نیز صورت بپذیرد قابل مسامحه و گذشت است.

#### ۵. منابع

- [۱] حسنی، حسن، حقوق تجارت، ج ۲، ق ۱، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- [۲] عیسائی تفرشی، محمد، تعریف ادغام قانونی (واقعی) شرکت‌های سهامی و انواع آن از لحاظ حقوقی مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶ شماره ۴، ۱۳۹۱.
- [۳] حسنی المصری، اندماج الشركات و انقسامها دراسة المقارنة، دار الكتب القانونية مصر، ۲۰۰۷.
- [۴] محسن شفيق، الوسيط في القانون التجاري المصري، الجزء الثاني، الطبعه الثالثه، مكتبه النهضة المصرية، ۱۹۵۴.
- [۵] عبدالوهاب عبدالله المعمرى، اندماج الشركات التجارية متعدد الجنسيات، دار الكتب القانونية القاهرة، ۲۰۱۰.
- [۶] ابراهيم بن على يوسف الشيرازى ابواسحاق، المذهب فى الفقه الامام الشافعى، الجزء الاولى، دار الفكر بيروت لبنان، بي تا.
- [۷] محمد بن احمد بن رشد القرطبي ابوالوليد، بدايه المجتهد و نهايه المجتهد، الطبعه الاولى، مؤسسه الرساله بيروت لبنان، ۲۰۰۴.
- [۸] مصطفى الخفاء و زملاء، الفقه المنهجي على مذهب الامام الشافعى، الجزء الثالثه، الطبعه الثانية، دارالبشير جده، ۱۹۹۶.
- [۹] يحيى بن شرف النووى ابوزكريا، منهاج الطالبين، الجزء الاولى، دارامعرفه بيروت، بي تا.
- [۱۰] سليمان بن عمر بن محمد الجريمي، حاشية الجريمي، الجزء الثالثه، دياربكر تركيا، بي تا.
- [۱۱] علاء الدين الكا ساني، بدائع الصنائع في ترتيب الشريائع، الجزء السادس، الطبعه الثانية، دار الكتب العربي بيروت، ۱۹۸۲.
- [۱۲] طباطبائي يزدي، سيد محمد كاظم، العروه الوثقى، ج ۵، ق ۴، نشر مؤسسه نشر إسلامي، ۱۴۳۲.
- [۱۳] أبي جعفر محمد ابن الحسن على الطوسى، المبسوط في الفقه الإمامى، الجزء الثاني، نشر المكتب المرتضويه، بي تا.



- [۱۴] عیسائی تفرشی، محمد، ماهیت حقوقی شرکت مدنی و شرکت سهامی، تاملاتی در حقوق تطبیقی، ج ۲، چ ۳، نشر سمت، ۱۳۹۰.
- [۱۵] کیائی، عبدالله، قانون مدنی و فتاوی امام خمینی (ره)، ج ۱، چ ۲، نشرسمت، ۱۳۸۴.
- [۱۶] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چ ۴، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
- [۱۷] صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، چ ۱، ۱۳۸۲.
- [۱۸] رفیعی، محمدتقی، مطالعه تطبیقی غرر در معامله، ج ۱، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
- [۱۹] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ج ۴، نشرگنج دانش، ۱۳۷۲.
- [۲۰] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، چ ۲، ۱۳۸۱.
- [۲۱] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، چ ۳، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴.
- [۲۲] کاشانی، سیدمحمود، حقوق مدنی قراردادهای ویژه، ج ۱، نشرمیزان، ۱۳۸۸.
- [۲۳] ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج ۱، چ ۱، نشردادگستر، ۱۳۷۷.
- [۲۴] شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ج ۱، نشر حقوقدان، ۱۳۷۷.
- [۲۵] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، چ ۴، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
- [۲۶] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فرهنگ عناصرشناسی، چ ۱، نشرگنج دانش، ۱۳۸۲.